



دنیای نامتعارف یک فیلمساز

جوئل کوشن کارگردان و فیلمنامه‌نویس آمریکایی که امروز ۲۹ نوامبر سالروز تولد اوست و برادر کوچکش ایتن، یکی از معروف‌ترین برادران فیلمساز دنیایی سینما هستند. نکته قابل توجه درباره کوشن ها تئود سوزه‌های آن‌هاست، از هومر و دهه ۱۹۳۰ «ای برادر، کجایی؟» تا ژانر گانگستری «قاطع میلر» ، داستان کارآگاهی «فارگو» و حتی فیلم جاده‌ای با موضوع رفقت «بلووسکی بزرگ» ، اما این نگاه متفاوت آن‌ها به ژانر وسترن در فیلم «پیر مردها» کشوری ندارند» بود که بیشترین موفقیت تجاری و مقبولیت نزد منتقدان را برای آن‌ها به همراه آورد. شهرت برادران کوشن به این است که شخصیت‌های خود را در موفقیت چهرگی قرار می‌دهند.

جوئل کوشن که متولد ۱۹۵۹ است و برادرش ایتن که متولد ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۷ است، در سینمای لوویس پارک در مینه‌سوتا در شمال مرکزی ایالات متحده، بزرگ شدند. مادرشان رنه در دانشگاه ایالتی سینت کلاود مورخ هنر و پدرشان در دانشگاه مینه‌سوتا کارشناس اقتصاد بود. جوئل ایتن به یک مدرسه می‌رفتند. جوئل با پولی که از چمن‌زنی به دست آورده بود یک دوربین سوپر ۸ خرید. آن دو فیلم‌هایی را که در تلویزیون دیده بودند بازسازی می‌کردند و یکی از بچه‌های محله هم ستاره فیلم‌هایشان بود.

بعدها هر دو به کالج یارد در ماساچوست رفتند. سپس جوئل به دانشگاه نیویورک سیتی رفت تا در رشته سینما در آنجا بخواند و ایتن رشته فلسفه را در مقطع کارشناسی در دانشگاه پرینستون انتخاب کرد. جوئل پس از فارغ‌التحصیلی شدن از دانشگاه نیویورک سیتی به عنوان دستیار تولید در چند فیلم صنعتی و موزیک‌ویدئو مشغول کار شد. سال ۱۹۸۱ وقتی سام ریچی «مرد شریک» اولین فیلم بلند داستانی خود را می‌ساخت، دنبال یک دستیار تدوینگر بود. او جوئل را دید و این آشنایی منجر به همکاری آن‌ها شد.

برادران کوشن سال ۱۹۸۴ اولین فیلم تجاری خود «تشنه خون» را از روی فیلمنامه‌ای نوشته خودشان کارگردانی کردند. «تشنه خون» یک فیلم نوآر است که داستان آن در تگزاس روی می‌دهد. آن‌ها با همان اولین فیلم سبک فیلمسازی متمایز خود را به رخ کشیدند. حاصل کار فیلم‌هایی نامتعارف، طنزآمیز، کم‌دی سیاه و گاهی اوقات بسیار خشونت‌آمیز.

اولین کار بزرگ برادران کوشن در عرصه جشنواره‌ها و جوایز سینمایی با فیلم «ارتون فینک» - با بازی جان تورنور در نقش یک نمایشنامه‌نویس نیویورکی که به هالیوود می‌رود تا فیلمنامه یک فیلم درجه برانویسد - حاصل شد. این فیلم سال ۱۹۹۱ جایزه نخل طلای جشنواره کن، همینطور جایزه بهترین کارگردان این جشنواره را برای جوئل به همراه داشت.

موفقیت در کن راه کوشن‌ها در این جشنواره مهم سینمایی را باز کرد و بعدها هفت فیلم دیگر آن‌ها نیز در بخش مسابقه اصلی این جشنواره به نمایش درآمد. جوئل با «فارگو» (۱۹۹۶) و «مردی که آنجا نبود» (۲۰۰۱) دوبار دیگر در کن برنده جایزه بهترین کارگردان شد و سال ۲۰۱۳ نیز به همراه ایتن برای فیلم «درون لوئین دیویس» جایزه بزرگ داوران را برد. جوئل با تریلر جنایی «فارگو» که داستانش در مینه‌سوتا روی می‌دهد، برای اولین بار نامزد اسکار بهترین کارگردان و بهترین تدوین‌شده و بایتن جایزه اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی را دریافت کرد. آن‌ها با «ای برادر، کجایی؟» (۲۰۰۰) نیز نامزد اسکار بهترین فیلمنامه اقتباسی بودند. بزرگ‌ترین موفقیت کوشن‌ها در جوایز اسکار با تریلر وسترن «پیر مردها» کشوری ندارند» (۲۰۰۷) حاصل شد. فیلم آن‌ها در هشت بخش نامزد اسکار بود و آن‌ها خودشان در سه بخش بهترین فیلم، کارگردانی و فیلمنامه اقتباسی اسکار گرفتند. جوئل و ایتن برای «یک مرد جدی» (۲۰۰۹) و «شهامت» (۲۰۱۰) پنج بار دیگر هم نامزد اسکار بودند. «بزرگ کردن آرزوینسا»، «وکسبل هادساکر»، «بی‌رحمی تحمل‌ناپذیر»، «قاتلان پیرزن»، «پس از خواندن بسوزان» و «یک مرد جدی» از دیگر ساخته‌های برادران کوشن است.

نگاهی به فیلم کم‌دی «۱۰۰۰ یین عشق»

یک فیلم تماشایی از سینمای ژاپن

«۱۰۰۰ یین عشق» (۱۰۰ Yen Love) به کارگردانی ماساهارو تاکه ونویسندگی شین آداچی یک کم‌دی مستقل است که بخش بزرگی از جذابیت‌هایش مرهون بازی گیرای ساکورآندو در نقش یک آدم از زیر کار در روستا است.

این فیلم ۱۱۴ دقیقه‌ای نخستین بار اکتبر گذشته در جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو به نمایش درآمد (و جایزه نقدی یک میلیون ینی جشنواره را کسب کرد) و از ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) نیز در سینماهای ژاپن روی پرده رفته است. هیرومومی آرای، میوکواایتاگوا و یوکی اوکیتا از دیگر بازیگران این فیلم کم‌دی هستند که حال و هوای فیلم‌های آمریکایی دهه ۱۹۷۰ را زنده می‌کنند.

ایچیگو (با بازی ساکورآندو)، زنی تنبل، بی‌عرضه و یک سلخته تمام‌عیار است که ناگهان به رشته مش‌زنی علاقه‌مند می‌شود. آنچه تازه‌ترین ساخته تاکه، فیلمساز ژاپنی را به عنوان یک درام شغلی دست و پا کرده بود. او کاملاً عوض شده و به یک ورزشکار

همه حرف‌های تام هنکس درباره موفقیت، ناامنی روانی و داستان نویسی

دلگرمی خواهد قصه خودم را بگویم

آیند تندن



فیلم‌های تام هنکس در مجموع تاکنون بیش از هشت میلیارد دلار در سراسر جهان فروش داشته‌اند. او تا به حال چندین مرتبه برنده جایزه اسکار، گلدن گلوب و امی شده است. هنکس نخستین جایزه اسکارش را در ۱۹۹۳ و پابازی در فیلم «فیلادلفیا» به دست آورد. او در این فیلم نقش یک وکیل مبتلا به ایدز را بازی کرده که از شر کتی که در آن کار می‌کنده دلیل تبعیض دست‌به‌شکایت می‌زند. هنکس برای بازی در این نقش نزدیک بیست کیلو وزن کم کرد و کاری کرد که موهایش نازک و کم پشت شوند تا ظاهر ناخوش‌حال و بیمارگونش طبیعی جلوه کند. لیارا زین در نشریه People نوشت: «فراتر از هر چیز، «فیلادلفیا» اعتبار و موفقیتش را مرهون تام هنکس است، کسی که باطمینان خاطر نقش یک کاراکتر را بازی می‌کند، نه یک قدیس را. او به طرز تمام‌عیاری فوق‌العاده است و اجرایی عمیقاً باورپذیر، تأثیرگذار و ظریف‌راز. خود به‌نمایش گذاشته که سزاوار دریافت اسکار است.»

یک سال بعد، بازی در فیلم موفق «فارست گامپ» که مجموع فروش جهانی‌اش از مرز ۶۰۰ میلیون دلار در گیشه عبور کرد، دومین اسکار را برای هنکس به ارمغان آورد. هنکس در این باره اظهار داشت: «وقتی فیلمنامه گامپ را خواندم فهمیدم با یکی از آن فیلم‌ها فاخر و امیدبخش روبه‌رو هستم که مخاطبان می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و آن را احساس کنند». قدری امید برای سرنوشتن‌ها و جایگاهشان در زندگی... وقتی بچه بودم صدها میلیون بار چنین پیامی را از فیلم‌ها گرفتم. هنوز هم می‌گیرم.» او با دریافت اسکار بهترین بازیگری در ۱۹۹۴ برای نقش آفرینی در فیلم «فارست گامپ»، تبدیل به دومین بازیگر تاریخ سینما شد که شاهکار کسب دو اسکار بی دربی در رشته بازیگری دست یافته است (اسپیتر ترسی نخستین بازیگر مردی بود که در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ با طوری بی دربی موفق به کسب جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد شد، اما هنکس از شکست‌انگیز دیگری نیز میان این دو بازیگر هست: اشتراک و تریستی هر دو جوایز آکادمی را به ترتیب در ۳۷ و ۳۸ سالگی دریافت کردند). به تازگی یک رویداد افتخارآمیز دیگر نیز به مجموعه افتخارات این بازیگر ۵۸ ساله افزوده شد.

به گزارش «سی‌بی‌اس مورنینگ»، تام هنکس یکی از پنج بازیگری است که به عنوان برگزیدگان مرکز هنرهای نمایشی جان اف کندی در سال ۲۰۱۴ معرفی شده است.

هنکس متولد نهم‌ژوئیه ۱۹۵۶ در کنکورد کالیفرنیا است. پس از جدایی والدینش در ۴ سالگی، از آنجایی که پدر و مادرش هر کدام دوباره از ازدواج کردند، دوران کودکی او به نقل مکان از یک شهر به شهر دیگر گذشت. او بازیگری را با نقش آفرینی بر صفحه‌های تئاتر ساکرمنتو در جشنواره تئاتر «گریت لیکس» در اوهایو آغاز کرد. اما نخستین بار، ما تمام هنکس را با طنز تلویزیونی «Bosom Buddies» در ۱۹۸۰ شناختیم. هنکس می‌گوید بعد از بخش این مجموعه، کارهای پس از دیگری پیشنهاد شدند و بازی در یک کار به بازی در یک کار دیگر انجامید و این روند ادامه یافت: «هیچ شکی نیست که این بزرگ‌ترین اتفاقی بود که تا آن زمان برای من رخ داده بود.» اما آینده هنکس در سینما بود. خیلی زود پس از آن که نمایش این طنز تلویزیونی از شبکه ABC متوقف شد، هنکس در نقش ستاره اصلی یک کم‌دی رمانتیک به نام «Splash» به ایفای نقش پرداخت. بعد از فیلم ترسناک «او می‌داند تو تنهاهی» (معروف به «عروسی خون»)، این دومین فیلم بلند سینمایی تام هنکس به شمار می‌رفت. او نخستین بار در ۱۹۸۸ و پابازی در یک کم‌دی فانتزی به نام «بزرگ» نامزد دریافت جایزه اسکار شد. هنکس در این فیلم نقش کودکی را در کالیبد یک مرد بالغ بازی می‌کند. همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد، او نخستین اسکارش را پنج سال بعد برای بازی در فیلم «فیلادلفیا» دریافت کرد و یک سال بعد بازی به یادماندنی‌اش در نقش «فارست گامپ» دومین اسکار زندگی‌اش را برای او به ارمغان آورد.

هنکس در این باره می‌گوید: «این اتفاق تلاقی جادویی خیلی چیزها در کنار هم بود که به شکل پیش‌آمدی خوب باقی ماند. او می‌فازید: «من آن را مانند این می‌بینم که رشته کوه‌های بزرگ بسیاری در این دنیا وجود دارد و در کوه «گراند تیتن» (بلندترین کوه در پارک ملی «گراند تیتن» در ایالت وایومینگ آمریکا) تنها یک قله وجود دارد که از بقیه باشکوه‌تر، منحصر به فرد تر و دشوارتر است و «فارست گامپ» برای من به این شکل است.» «اوپولو ۱۳»، «نجات سربازان»، «دورافتاده»، «کاپیتان فیلیبس» و «نجات آقای بنکس»

در شمار فیلم‌های موفق و پرفروش هستند که تام هنکس در آن‌ها ایفای نقش کرده است. فهرستی که بی‌پایان به نظر می‌رسد و او را به یکی از مدرن‌ترین بازیگران هالیوود تبدیل کرده است. از میان نقش‌های نمادین و به یادماندنی او می‌توان به «لری کروان» (۲۰۱۱) اشاره کرد. هنکس علاوه بر بازیگری، کارگردانی و تهیه‌کنندگی این کم‌دی رمانتیک را بر عهده داشته است. او در این باره می‌گوید: «هبه خاطر «لری کروان» تا امروز اسکو ترسوازی می‌کنم. با این حال، همه فیلم‌های هنکس با استقبال منتقدان روبه‌رو نبوده‌اند. «لری کروان» یکی از آن‌هاست. اگرچه، هنکس اطمینان می‌دهد لازم نیست همه کامل باشند تا احساس رضایت کنند: «نه، نه، چون باید در کئی که تو می‌توانی یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان بیسبال روی کره زمین باشی و تنها در دو پایه «سری جهانی» (رقابت‌های قهرمانی حرفه‌ای لیگ اصلی بیسبال در امریکا شمالی) بازی خواهی کرد.» و همانطور که جیمی داگی (کاراکتر هنکس) در «لیگ خدوشان» اشاره می‌کند: «بیسبال جای گریه کردن نیست.»

اگرچه هنکس در جریان این گفتگو به شکل بسیار جذاب و کاریزماتیکی عاری از هرگونه احساس نامنی به‌نظر می‌رسد اما گفته خودش همه این‌ها ظاهر سازی است: «همی‌بینی در این لحظه چقدر جذاب و شوخ‌حتم. این مطلقاً یک جور مکانیسم دفاعی است. این امکانشم یک جورایی فقط برای خلاص شدن از شر این گفتگو است. ما هرگز از احساس نامنی و لحظات شک و تردید نسبت به خودمان هستیم که می‌تواند به بی‌بازی و نفرت از خود منجر شود. برای بخشی از جلال روزمره است.» او به خاطر می‌آورد که چطور پل نیومن، بازیگر افسانه‌ای سینما احساساتش را در این زمینه به اشتراک می‌گذاشت: «هر کار «جاده‌ای به سوی تباهی» بودیم و اولین روز بازی بل نیومن فقط یک صحنه بود. یک عده از مردم جمع شده بودند و او یک دیالوگ کوتاه داشت و گفت تمام شد بل گفت: «همیشه در اولین وقت اسراحت آدم احساس دستپاچی می‌کند. مگه نه؟» اگر آقای بل نیومن این جور احساس می‌کند، خوب، پس شاید من هم همینطور، شاید برای من هر کس دیگری که اینجاست، یک جایگاهی وجود داشته باشد.»

علاوه بر این، هنکس به خراب کردن عکس‌های هوادارانش معروف است. خودش می‌گوید: «می‌دانسی، بای یک جور دیپلماسی در میان است. گاهی اوقات راحت‌تر این است که گوشی تلفن را بگیری، آن را در حالت «سلفی» قرار دهی و عکس را بگیرد و بعد هم به کارت ادامه دهی. گاهی این سریع‌ترین شیوه برای شتاب‌بخشیدن به امور روزمره است.» با وجود استفاده فزاینده از تلفن همراه، هنکس می‌گوید نفرینش پشت پرده کسی است که این سبک را اختراع کرده: «یک دوره زمانی بود که واقعا طرف از نفرین می‌کردم. نفرینش می‌کردم چون این تلفن همراه هیچوقت از کار نمی‌افتد و همه جا دنبال آدم است. اما یک جورایی از کسی که «سلفی» را اختراع کرده خوشم می‌آید.» اما در مورد بازیگری که هم بر پرده سینما و هم در زندگی عادی او را به عنوان آدم واقعا خوبی می‌شناسند، ممکن است این سؤال برای طرفدارانش مطرح شود: «آخرین باری که تام هنکس بی‌عقلی کرده کی بوده است؟» هنکس در پاسخ می‌گوید: «من چنین لحظه‌هایی را به خاطر نمی‌سیرم.»

و اضافه می‌کند: «تقدیرش نامی کنم.» اما قابلیت‌های تام هنکس تنها به دنیای بازیگری و سینما ختم نمی‌شود. اکتبر گذشته داستان کوتاه او تحت عنوان «آلن بین» به اضافه «چار» در نشریه «نیویورکر» منتشر شد. داستان کوتاه هنکس درباره چهار رفیق است که به ما سفر می‌کنند و طرح داستانی آن بالهام از کاراکتر آلن بین، فضانورد فیلم «پولو ۱۳» نوشته شده است. هنکس در این باره توضیح می‌دهد: «من همه عمرم دور و بر قصبه گوه‌های بزرگ بودم و مثل یک دانش آموز مشتاق، دلم می‌خواست قصه خودم را بگویم. من به قدری مطالب غیر داستانی می‌خوانم که جزئیاتشان تمام ذهنم را انباشته می‌کند و گاهی اوقات نیاز به مسر و سامان بخشیدن دارم.» هنکس در پاسخ به این سؤال که آیا کسانیه را به عنوان قهرمان ادبی در ذهنش دارد یا نه، می‌گوید: «منظورت نویسنده است؟ چیم بوکت و در حال حاضر آلن فرست داستان‌های آن‌ها ریشه در غیر داستانی بودن دارد. اما تمام رفتارهای آسانی را در بر می‌گیرد.» بازیگر ۵۸ ساله سینما می‌دور است بتواند داستان‌های بیش‌تری بنویسد و همانطور که خودش می‌گوید گوش به‌زنگ است تا ببیند داستان بعدی چه زمانی از راه می‌رسد.

منبع: سی‌بی‌اس نیوز و نیویورکر

برخورد کوتاه

توماس وینتربرگ و «دور از اجتماع خشمگین»

توماس وینتربرگ فیلمساز دانمارکی با اقتباس سینمایی از رمان «دور از اجتماع خشمگین» (Far From the Madding Crowd) نوشته توماس هاردی نویسنده بریتانیایی به قرن نوزدهم رفته است، زمانی که در سال ۱۹۶۷ مبنای فیلمی کلاسیک با تصاویر خاطره‌انگیز به کارگردانی جان شلزینگر با بازی جولی کریستی شد. کری مالیگان در نسخه جدید نقش بت شیباوردین، وارث سرسخت مزرعه‌ای را بازی می‌کند که با عشق و علاقه سه خواستگار متفاوت روبه‌رو می‌شود. مایکل شین، تام استرایچ و ماتیاس خونارتس در نقش این سه خواستگار ظاهر شده‌اند. این فیلم اول مه ۲۰۱۵ ۱۲ کران می‌شود. رمان هاردی سال ۱۸۷۴ منتشر شد. وینتربرگ به همراه لارس فون تریر جنبش «گما» را راه‌اندازی کرد که اساس آن ر عایت سادگی در تولید پروژه‌های سینمایی بود. او سال ۲۰۱۲ با فیلم «شکار» در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن حضور داشت و مس میگلتن ستاره فیلم به خاطر آن برنده جایزه بهترین بازیگر مرد شد. «شکار» سال گذشته یکی از نامزدهای جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان بود. وینتربرگ سال ۱۹۹۸ برای فیلم «ضیافت» جایزه هیئت داوران جشنواره کن را دریافت کرد.

خبر روز

دی‌وی‌دی فیلم‌های دین مارتین و جری لوییس در بازار

دین مارتین و جری لوییس به مدت ۱۰ سال که شروع آن از ۱۹۴۶ بود، محبوب‌ترین تیم کم‌دی در امریکا بودند. آن‌ها ابتدار کلوب‌های شبانه بر نامه‌اجرا می‌کردند و بعد از تلویزیون و رادیو سردار آوردند سپس وارد سینما شدند، اما گروه آن‌ها در هست مانند گروه بیتلز در اوج دوران کاری‌شان به هم باشند. به تازگی آرشیو رانر تعدادی از کم‌دی‌های مارتین و لوییس را در قالب دو مجموعه دی‌وی‌دی در بازار عرضه کرده است. «مجموعه دین مارتین و جری لوییس: جلد اول» شامل تعدادی از بهترین فیلم‌های اول آن‌ها از جمله اولین فیلم بلند داستانشان «دوست من ایرما» تولید ۱۹۴۹ و دنباله آن «دوست من ایرما به غرب می‌رود» است که یک سال بعد به بازار آمد. «That's My Boy» تولید ۱۹۵۱، «سه فیلم تولید سال ۱۹۵۲ شامل «هلوان مواظب است» «Jumping Jacks»، «کار جاق کن» و دو فیلم تولید سال ۱۹۵۳ شامل «Scared Stiff» و «The Caddy»، دیگر فیلم‌های این مجموعه هستند. «جلد دوم» شامل فیلم‌های آخر دوران کاری مشترک آن‌هاست، از جمله «Living Up» تولید ۱۹۵۲، «جی‌جی‌جی» تولید ۱۹۵۵، «هنرمندان» مدل‌ها» (۱۹۵۵)، «Pardners»، تولید ۱۹۵۶ و فیلم آخرشان «Hollywood Bust» تولید ۱۹۵۶.



عکس نوشت

بازگشت «بیتن»

فیلم «بن» که نگاهی تازه به شخصیت‌های داستان کلاسیک «بیتن» نوشته ج. ام.بری دارد، ژوئیه سال ۲۰۱۵ روی پرده سینماهای «بن» را جورایت کارگردانی کرده است. هوجمکن فیلم «بیتن» در «بیتن» را بازی می‌کند. گرت هدلوند در نقش هوک جوان، رونی ماردر نقش تایگر لیلی و لوی میلر در نقش بیتن‌ترین ظاهر شده‌اند. آماندا ساگریفید دیگر بازیگر «بن» است. داستان درباره پسر بچه‌ای یتیم است که به یک سرزمین جادویی مفرح و در عین حال خطرناک پامی گذار و در آنجا هویت واقعی خود را کشف می‌کند.

